

بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان متوسطه شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر نقش خانواده

گودرز بهرامی^۱

دکتر طلیمه خادمیان^۲

چکیده

هدف از این پژوهش توصیف و تحلیل شیوه های گذران اوقات فراغت دانش آموزان دوره متوسطه شهر تهران و برخی از عوامل مؤثر بر آنها با تأکید بر نقش خانواده است. این پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی است. ابزار پژوهش پرسشنامه و جامعه آماری شامل دانش آموزان دوره متوسطه شهر تهران است که بر اساس نمونه گیری ساده تصادفی و خوشه ای چند مرحله ای، یک نمونه ۳۵۱ نفری انتخاب شده است. در این پژوهش براساس متون نظری، برای سنجش میزان شیوه های اوقات فراغت از شاخصهایی چون معاشرتی، مشارکتی، پر تحرک (حرکتی)، بی تحرک (آموزشی، علمی)، بی تحرک (سرگرمی، رسانه ای) و هنری بهره گیری شده است. داده های گردآوری شده با آمارهای توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شده اند. برای توصیف رابطه میان متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون و برای فرضیه های مقایسه ای از آزمون F استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داده است که جنسیت در نحوه گذران اوقات فراغت تأثیر دارد، به طوری که میان جنسیت و شاخصهای فراغتی پر تحرک، هنری، بی تحرک (آموزشی، علمی) و بی تحرک (سرگرمی، رسانه ای) تفاوت معنادار بوده است. همچنین میان تحصیلات والدین و میزان وقت فراغت دانش آموزان رابطه معنادار وجود داشته است. والدینی که تحصیلات بالاتری داشته اند زمان بیشتری را برای گذران اوقات فراغت فرزند خود اختصاص داده اند. نتایج همچنین حاکی از آن است که میان تحصیلات والدین و نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان رابطه وجود داشته است، به طوری که میان تحصیلات والدین و شاخصهای معاشرتی، مشارکتی و بی تحرک (آموزشی، علمی) رابطه معنادار بوده است. نتایج آماری حاکی از آن است که بیشتر دانش آموزان وقت فراغت خود را صرف فعالیتهایی چون با خانواده بودن، تماشای تلویزیون، استراحت و خواب، گوش دادن به موسیقی، استفاده از موبایل، معاشرت با دوستان، ورزش کردن، شرکت در جشنها و میهمانیها، قدم زدن و رفتن به پارک و مراکز تفریحی و کار با کامپیوتر می کنند.

کلید واژه ها: دانش آموزان، اوقات فراغت، والدین، خانواده، نحوه گذران اوقات فراغت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۱/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۳

Goudarz.Bahrami@gmail.com

۱. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی

T-khademian@iau-tnb.ac.ir

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال

مقدمه

فعالیت‌های اوقات فراغت از اهمیت بسیار برخوردارند به طوری که کارشناسان آن را آئینه فرهنگ یک جامعه به شمار می آورند. از نظر آنان چگونگی گذران اوقات فراغت افراد یک جامعه نشانگر ویژگی‌های فرهنگی آن جامعه است.

"پی‌یر^۱ اظهار می دارد که "موجودیت و اصالت فرهنگ بر مبنای اوقات فراغت افرادی که در آن جامعه زندگی می کنند، قرار دارد" (سلسله مباحث فرهنگ، ۱۳۷۳: ۲۵). در دهه های اخیر، جامعه شناسان اوقات فراغت و صاحب نظران مطالعات فرهنگی با پیوند مؤلفه های تشکیل دهنده اوقات فراغت با هویت اجتماعی، افقی نوین در این عرصه پژوهشی گشوده اند. تحلیل نقش اوقات فراغت در فضای مدرن امروزی و رابطه آن با هویت، نشانگر افزایش اهمیت فراغت در جامعه معاصر است. از این منظر، مطالعه اوقات فراغت، زمینه ای مناسب برای برنامه ریزیهای فرهنگی و اجتماعی، در جهت پرورش استعدادهای جوانان فراهم می سازد. همچنین مطالعه اوقات فراغت این امکان را فراهم می سازد که در پرتو نظریه های گوناگون و سنجش ارتباط آن با دیگر متغیرهای اجتماعی الگوی نظری مناسبی برای تحقیق در این عرصه ارائه شود.

خانواده یکی از نهادهای اصلی جامعه و نخستین عامل جامعه پذیری افراد است که یکی از مباحث اصلی جامعه شناسی را به خود اختصاص داده است. درواقع می توان خانواده را نخستین نقطه تبعیت اجتماعی و مهم ترین عامل نفوذ ارزشها و هنجارهای جامعه در شخصیت افراد دانست. رابینسون^۲ "خانواده را به منزله مهم ترین عامل فرایند اجتماعی شدن" در نظر گرفته است. خانواده به عنوان گروهی از افراد که با یکدیگر پیوندی بر پایه همخونی (نسبی) یا ازدواج (سببی) یا فرزند پذیری دارند، تعریف شده است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۳۱).

گیدنز^۳ (۱۳۷۳: ۴۱۳) خانواده را گروهی از افراد می داند که با "ارتباطات خویشاوندی مستقیماً پیوند یافته اند و اعضای بزرگسال مسئولیت مراقبت از کودکان را بر عهده دارند."

مطالعه ساختار و نوع روابط میان نقشهای گوناگون درون خانواده یکی از موضوعات چند رشته ای است که مورد توجه صاحب نظران علوم اجتماعی، علوم تربیتی و روانشناسی قرار گرفته است. صاحب نظران فوق با توجه به نوع روابط میان نقشهای گوناگون در خانواده، انواع متفاوتی از

1. Pear

2. Robinson

3. Giddens

شیوه‌های رفتاری و تربیتی را در خانواده تشخیص داده و به مطالعه اثرات آن بر شخصیت و رفتارهای اجتماعی فرزندان پرداخته اند (قبادی و نیازی، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

خانواده می تواند باتوجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود امکانات مناسبی برای گذران اوقات فراغت اعضای خود فراهم آورد. شناختی که پدر و مادر از ویژگیهای شخصیتی، استعداد، خواسته ها و امیال، نقاط ضعف و قوت و حیات فرزندان خود دارند، آنان را به عنوان مراجع صالحی برای کمک به گذران صحیح اوقات فراغت فرزندانشان مطرح می سازد (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱، ص ۷۸).

در این پژوهش، ضمن تعریف اوقات فراغت از دیدگاه جامعه شناسان، تلاش خواهد شد تا مروری بر نظریه های اوقات فراغت صورت گیرد. بدیهی است که نظریه های مطرح شده در این پژوهش همه نظریه های اوقات فراغت را در بر نمی گیرد، اما تلاش شده است که با توجه به چشم انداز جامعه شناسانه از یک سو و سودمندی عملی نظریه ها برای برنامه ریزی از دیگر سو، به طرح دیدگاههای نظری گوناگون پرداخته شود. همچنین تلاش شده است ضمن بررسی میزان و شیوه های گذران اوقات فراغت، برخی از عوامل مؤثر بر آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

بیان مسئله

هر انسان به طورطبیعی به تفریح نیاز دارد، اما نحوه گذران اوقات فراغت در افراد متفاوت است. جوانان و نوجوانان هر جامعه سرمایه‌های ارزشمندی هستند که در آینده ای نه چندان دور، بار سنگین اداره امور مملکت را بر عهده خواهند گرفت. امروزه کارگزاران حکومتی به این واقعیت پی برده اند که در صورت عدم اخذ تدابیر اصولی و برنامه ریزیهای مناسب برای گذران اوقات فراغت جوانان و نوجوانان، خطرات بسیار جامعه را تهدید خواهد کرد و از نظر تربیتی اختلالاتی جبران ناپذیر در رفتار و کردار و در نتیجه شخصیت افراد پدید خواهد آمد. از این رو اهمیت دادن به اوقات فراغت، عاملی مؤثر در پرورش قوای فکری، جسمی و اخلاقی افراد است؛ آن هم در عصری که مدرنیسم با وجود ایجاد تسهیلات، فشارهای روحی و روانی شدید به افراد وارد می-سازد.

به طور کلی هر انسان دارای وظایف اجتماعی و فردی است که بخشی از آن مرتبط به شغل و کار او و بخش دیگرش در ارتباط با مشارکت در زندگی فردی و خانوادگی است. آنگاه که انسان برای مدتی معین از محدوده اجرای وظایف مقرر خارج می‌شود، وارد محدوده اوقات فراغت می-شود. گذراندن اوقات فراغت و برنامه های مطلوب فراغتی نقشی اساسی در تربیت و تعلیم جامعه

دارد و از بروز مشکلات فردی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی جلوگیری می کند، تاجایی که بالاترین و بهترین تعلیم و تربیت بدون وجود برنامه ریزیهای مطلوب فراغتی بی نتیجه خواهد بود. بنابراین تأثیر نحوه گذران اوقات فراغت، چه از جنبه های مثبت و سازنده و چه از جنبه های مخرب و فساد انگیز در حدی است که می تواند جنبه های دیگر زندگی را تحت الشعاع قرار دهد. بنابراین، این تحقیق از یک سو ما را با نیازها و علائق دانش آموزان آشنا می کند و از سوی دیگر متوجه می شویم که آیا متغیرهایی مثل جنسیت و تحصیلات والدین دانش آموزان در نحوه پرکردن اوقات فراغت نقش دارند یا خیر.

اوقات فراغت ساعاتی است که باید بدون اجبار صرف اموری شود که شخص به آنها تمایل دارد و تا حد امکان نباید با نفع اقتصادی همراه باشد یا منبع درآمدی برای شخص محسوب گردد، بلکه باید به تنوع بخشی، ایجاد سرگرمی، فراهم آوردن امکانات رشد فکری و جسمی در راستای تعالی افراد منجر شود. گذران اوقات فراغت در جامعه می تواند نشان دهنده ارزشهای موجود در آن جامعه باشد، ضمن اینکه امروزه نقش گذران اوقات فراغت در افزایش تحرک اجتماعی و جبران کمبودهای عاطفی و روانی و جلوگیری از بزهکاری مورد قبول اکثریت دانشمندان و صاحب نظران است. "آلفرد لوید"^۱ جامعه شناس دانشگاه میشیگان اوقات فراغت را ماهیتاً راه و روشی برای رسیدن به فرهنگ دموکراتیک توصیف کرده است. "هانی کات"^۲ نیز اوقات فراغت را به مثابه یک خلاقیت نگاه می کند و می گوید: "جامعه باید برای افراد فرصتی آماده کند تا کارهای خلاقانه تولید کنند و اوقات فراغت همین فرصت است". روژک^۳ (۱۹۹۰) نیز به مسئله ماهیت اوقات فراغت پرداخته است و می گوید: مناقشات درباره پست مدرنیسم و جهانی شدن بر اوقات فراغت هم متمرکز است. به این معنی که مصرف کننده معاصر یک نوع خاص اوقات فراغت متناسب با سبک زندگی، در زندگی آزاد خود ساخته است (روژک، ۱۹۹۰، به نقل از سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴: ۱۱).

سرانجام اینکه اوقات فراغت به مثابه یک مسئله فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی، موضوع مشترک همه افشارجامعه است و به دلیل اهمیت و ویژگیهای آن توجه مسئولان آموزش و پرورش را به خود جلب کرده است و نه تنها در قالب یک ارزش اجتماعی بلکه در نقش تمدد اعصاب و شکوفا شدن روحیه جمعی نیز اهمیت به سزایی دارد (حاج عبدالباقی، ۱۳۸۶: ۳).

1. Alfred Lioyd

2. Hunnicutt

3. Rojek

در این پژوهش نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان شهر تهران در دوره متوسطه و برخی عوامل مؤثر بر آن ازجمله نقش خانواده مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در صدد بودیم تا علاقه دانش آموزان به برنامه های اوقات فراغت را شناسایی کنیم تا از طریق برنامه ریزیهای مسئولان آموزش و پرورش، بتوان برای پر بار کردن اوقات فراغت دانش آموزان اقدام کرد.

پرسشهای تحقیق

۱. نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان متوسطه شهر تهران چگونه است؟
۲. عوامل مؤثر بر گذران اوقات فراغت دانش آموزان کدام اند؟
۳. آیا میان جنسیت و نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان تفاوت معناداری وجود دارد؟
۴. آیا تحصیلات والدین در نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان مؤثر است؟
۵. سهم هر کدام از فعالیتهای فراغتی دانش آموزان چقدر است؟
۶. علایق و سلايق دانش آموزان نسبت به هر کدام از فعالیتهای فراغتی چقدر است؟

هدف کلی تحقیق

هدف از این پژوهش پی بردن به نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان مقطع متوسطه شهر تهران و نقش خانواده و عوامل مؤثر بر آن و شناختن نیازها، موانع و مشکلات موجود در این زمینه است. بر اساس این بررسی می توان برای برنامه ریزی صحیح اوقات فراغت و بهره مندی مطلوب از امکانات موجود و برای رشد و تعالی دانش آموزان اقدام کرد. می توان خانواده ها، مربیان، معلمان و دست اندر کاران امر تعلیم و تربیت را کمک و ترغیب کرد و با برنامه ریزیهای مناسب و اهمیت دادن به اوقات فراغت دانش آموزان و توجه بیشتر به خواسته های آنان برای گذران اوقات فراغت، نظام تربیتی غیرفعال را به نظامی پویا و فعال تغییر داد و تا حدود زیادی پیدایش انحرافات متعدد را در دانش آموزان پیش بینی کرد و جامعه ای سالم و رو به رشد به وجود آورد.

اهداف ویژه

- بررسی و شناخت نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان.
- شناخت عوامل مؤثر بر نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان.
- بررسی تأثیر جنسیت بر نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان.
- سنجش تأثیر تحصیلات والدین بر نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان.
- تعیین میزان و سهم هر کدام از فعالیتهای فراغتی دانش آموزان.
- پی بردن به علایق و سلايق دانش آموزان در زمینه فعالیتهای فراغتی .

مروری بر پیشینه پژوهش و متون نظری

در سال ۱۸۵۳ میلادی نخستین سازمانها و انجمنهای ویژه فراغت در آمریکا شکل گرفتند. در سال ۱۹۰۶ اتحادیه تفریح ملی شکل گرفت که اکنون بیش از سه هزار انجمن، عهده دار برنامه های تفریح عمومی هستند. نخستین رساله جدید درباره حمایت از اوقات فراغت برای کارگران را "پل لا فارک"^۱ "سوسیالیست نوشت که "حق تنبل بودن" نام داشت. در آمریکا "تورشتاین ویلن"^۲ با تدوین کتاب "نظریه طبقه فارغ از کار"، جامعه شناسی زمان فراغت را بنا نهاد و در دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ در اروپا و آمریکا نخستین پژوهشهای تجربی درباره فراغت انجام گرفت. در سال ۱۹۲۴ "دفتر بین المللی کار" نخستین کنفرانس بین المللی را درباره وقت آزاد کارگران برپا کرد که ۳۰۰ نماینده از ۱۸ کشور در آن شرکت داشتند و نظر عموم، اهمیت دادن به اوقات فراغت بود (دومایزدیر، ۱۳۵۲: ۲۱). در سالهای بعد نیز پژوهشهای بسیاری در مورد اوقات فراغت انجام گرفت که برخی از آنها عبارتاند از:

۱. ویلیامز^۳ در سال ۱۹۸۸ تحقیقی را تحت عنوان الگوهای اوقات فراغت نوجوانان در منچستر انگلستان انجام داده که نمونه آماری این تحقیق شامل ۹۲۱ نفر از دانش آموزان دختر و پسر دبیرستانی بوده است. ابزار این تحقیق پرسشنامه بوده است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که عوامل شرکت کننده در انواع فعالیتهای فراغتی مرتبط با پایه تحصیلی، درآمد خانواده و جنسیت بوده است و همچنین تفاوتی معنادار میان دختران و پسران در انتخاب بعضی از فعالیت های اوقات فراغت وجود داشته است (ویلیامز، ۱۹۸۸).

۲. والتون و همکارانش در سال ۱۹۹۹ تحقیقی را تحت عنوان "اوقات فراغت دانش آموزان دبیرستانی" در اوهایوی آمریکا انجام دادند که ابزار این تحقیق پرسشنامه بوده و با هدف آگاهی از نحوه گذران اوقات فراغت با تأکید بر فعالیتهای بدنی انجام شده است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که پسرها به طور معناداری فعال تر از دختران هستند. میانگین کار با کامپیوتر، تماشای تلویزیون و ویدئو در هفته ۲۱ ساعت بوده و میانگین فعالیتهای بدنی روزانه دانش آموزان در خارج از مدرسه ۱/۵ ساعت بوده است (التون و همکاران، ۱۹۹۹^۴).

-
1. Paul Lafargue
 2. Thorstein Veblen
 3. Williams, A.
 4. Walton et al.

۳. بودر^۱ در سال ۲۰۰۰ تحقیقی را تحت عنوان "ارزیابی فعالیتهای فراغتی" روی عده ای از دانش آموزان دبیرستانی در آناتالیای ترکیه انجام داد که هدف آن بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان بوده است. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که دانش آموزان از میان رسانه های گروهی بیشتر تلویزیون تماشا می کرده اند و کمتر روزنامه می خوانده اند. دانش آموزان علاقه مند به فعالیتهای گوناگون در اوقات فراغت بوده اند، اما فقدان امکانات مناسب، مانع از این کار می شد. پسرها در فعالیتهای ورزشی فعالتر از دختران بوده اند اما به طور کلی در همه فعالیتهای دختران مشارکت بیشتری داشته اند. خواسته های دانش آموزان از مسئولان ایجاد امکانات مناسب در سالنهای ورزشی جهت پر کردن اوقات فراغت بوده است.

۴. آسترید^۲ در سال ۲۰۰۲ در تحقیقی روی ۸۸ نفر از نوجوانان دختر و پسر شهری و روستایی در نروژ، عنوان کرد که نوجوانان بیشتر وقت خود را صرف فعالیتهای غیرحرکتی مانند تماشای تلویزیون، ویدئو و بازیهای کامپیوتری می کنند و کمتر به فعالیت جسمانی منظم می پردازند.

۵. فیتزجرالد^۳ تحقیقی را تحت عنوان "فعالیتهای فراغتی نوجوانان مدرسه ای" انجام داده است. هدف این تحقیق اندازه گیری علایق و مشارکت در انواع اوقات فراغت و همچنین کشف رابطه میان علاقه و شرکت در فعالیتهای فراغتی بوده است. این تحقیق در انگلستان و روی ۱۵۰ نفر از دانش آموزان دختر و پسر انجام شده است. علاوه بر آن کشف تفاوتهای جنسی در بهره مندی از فعالیتهای فراغتی و در نحوه گذران اوقات فراغت از دیگر اهداف این تحقیق بوده است. روش به کار برده شده در این تحقیق، پیمایشی و ابزار آن پرسشنامه بوده است. نتیجه ای که از این تحقیق گرفته شده است، این بود که میان شرکت در فعالیتهای فراغتی و تمایل افراد به آن فعالیتهای رابطه وجود داشت. همچنین در نحوه بهره مندی از اوقات فراغت در میان پسرها و دخترها تفاوتی مشاهده شده است. هر دو جنس به موسیقی علاقه مند بودند. پسرها از فوتبال و تماشای تلویزیون و ویدئو لذت می بردند، درحالی که دختران از رفتن به میهمانی و دیسکوها و کنسرتها موسیقی پاپ و دور هم نشستن با دوستان و صحبت کردن لذت می بردند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱: ۸۴).

در داخل کشور نیز تحقیقات بسیاری در زمینه اوقات فراغت صورت گرفته است که به نمونه هایی از آنها اشاره می شود.

1. Bodur, F.
2. Astrid, N.S.
3. Fitzgerald

۱. عابدینی زاده (۱۳۷۲) در تحقیقی با عنوان "بررسی چگونگی اوقات فراغت دختران متوسطه منطقه ۱۷ آموزش و پرورش شهر تهران" به این نتایج رسیده که والدین دانش آموزان بیشتر کم سواد و خانواده ها پر جمعیت اند و اوقات فراغت دانش آموزان تحت الشعاع میزان درآمد، سواد و نوع شغل پدران آنهاست. وقت آزاد دختران بیشتر صرف کارهای خانه و کمک به مادری شود؛ والدین با گذران اوقات فراغت فرزندان در بیرون از خانه موافق نیستند و فرزندان در اکثر موارد از نحوه گذران اوقات فراغت خود ناراضی هستند.

۲. در تحقیقی با عنوان "نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان دختر دوره متوسطه شمال شهر تهران" که جلالی (۱۳۷۲) انجام داده، نتایج به دست آمده حاکی از آن است که والدین اکثراً دارای تحصیلات عالی بوده و تحصیلات والدین بر نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان مؤثر بوده است. افراد کم سواد در میان آنها کمتر مشاهده شده است. همچنین فرزندان معتقد به همکاری خوب والدین در نحوه گذران اوقات فراغت خود هستند. بیشترین زمان اوقات فراغت آنان را تماشای تلویزیون، مطالعه کتاب، رفتن به میهمانی، گوش دادن به موسیقی و کلاسهای درسی به خود اختصاص داده است و مهم ترین خواسته آنان افزایش امکانات ورزشی و تفریحی است.

۳. حاج عبدالباقی (۱۳۸۶) در تحقیقی به بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان متوسطه شهر تهران پرداخته و از میان ۳۸۵ دانش آموز و با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه به نتایج زیر دست یافته است. از میان فعالیتهای فراغتی مورد سؤال دانش آموزان به ترتیب گذران اوقات فراغت با دوستان و خانواده و گوش دادن به موسیقی در اولویت اول تا سوم بوده است.

تئوریه‌ها و نظریه‌ها (چار چوب نظری)

ارسطو فراغت را پیشه ای جدی دانسته و گفته است: "ما حرفه و کار و شغلی را در پیش می گیریم تا فراغتی داشته باشیم". پس به نظر ارسطو فراغت وضع ایده الی است که هر انسان در پی آن و در آرزوی آن است. لذا زندگی فراغتی لازمه زندگی است (بارت،^۱ ۱۹۸۹: ۱۴).

از زمان شروع زندگی در انگلستان مدرن، یعنی قرن چهارم فراغت به معنی "فرصتی برای وقت آزاد" محسوب می شده است (ویلیامز، ۱۹۸۸). بنابراین می توان گفت که فراغت واقعی یعنی زمانی که شما در آن زمان کاری (که در قبالتش پول دریافت می کنید) انجام نمی دهید. اما صرف اوقات فراغت از آن جهت مهم است که بر اساس آن می توان موقعیت^۲ اجتماعی هرکس را مشخص کرد.

1. Barrett, C.

2 . Status

به این ترتیب که توانایی درگیر شدن در فعالیتی که وقت آزاد شما به حساب می آید، موقعیت شما را در اجتماع نشان می دهد. برای افراد طبقه متوسط بالا اوقات فراغت زمان جدی است. این معنی و مفهوم فراغت است که ویلن در کتاب "نظریه طبقه فراغت"^۱ در سال ۱۹۶۶ در پی تحلیل آن بوده است.

اوقات فراغت و نحوه گذران آن از مفاهیم نوینی است که معنای واقعی خود را پس از دوران صنعتی شدن جوامع و رشد سرمایه داری و نیز گسترش شهرها پیدا کرده است. درواقع با توسعه فناوری در زندگی مردم و جایگزینی آن به جای نیروی انسانی، عملاً فرصتی برای انسانها ایجاد شده است تا بتوانند از اوقات خود به شکلی که دوست دارند، بهره بگیرند.

پیدایش چنین پندارهایی، دانشمندان و عالمان اجتماعی را نیز به سمت مطالعه این رخداد هدایت نمود. به این ترتیب شاخه های علمی جدیدی چون جامعه شناسی فراغت^۲ و انسان شناسی فراغت^۳ به منظور بررسی و مطالعه جایگاه و اشکال متنوع فراغت در زندگی مردم ایجاد شد. انسان شناسی فراغت که زیر شاخه "انسان شناسی فرهنگی" قلمداد می شود، فراغت را به مثابه بخشی از سبک زندگی انسانها مطالعه کرده و عواملی را که با این مفهوم در ارتباط اند چون فضاها و اماکن فراغتی، مصرف کنندگان فراغت و نیز شرایط و زمینه های فرهنگی و اجتماعی حاکم بر آن چون سن، جنس، طبقه اجتماعی، درآمد، تحصیلات، خانواده، قومیت، جغرافیا و ... همچنین اشکال متعدد گذران فراغت مورد بررسی قرار داده است. در این شاخه علمی بر استفاده از روشهای تحقیقاتی ژرفایی به منظور واکاوی عمیق پدیده فراغت تأکید می شود، زیرا صاحب نظران این دیدگاه معتقدند که کشف لایه های ساده و پیچیده، آشکار و نهان این پنداره مستلزم بهره گیری از روشهای کیفی و مردم شناختی است، لذا فعالیتهایی که در اوقات فراغت انجام می شوند باید کاملاً حساب شده و برای شخص و جامعه مفید باشد. مارکس^۴ در عین اهمیتی که برای کار قائل است دوگونه تأثیر در شرایط مختلف برای آن در نظر می گیرد: یکی آنکه انسان، انسانیت خویش را در کار تحقق می بخشد و اگر کار از قیدوبند رهایی یابد جامعه نیز چهره انسانی خویش را باز خواهد یافت. و دیگر آنکه انسان تحقیقاً آزاد نیست مگر در خارج از حدود کار. انسان، انسانیت خود را فقط هنگامی تحقق می بخشد که مدت کار به حد کافی تقلیل پیدا کند، تا او بتواند امکان پرداختن به چیز دیگری را داشته باشد (آرون، ۱۳۵۶ : ۱۸۹).

1. The Theory of Leisure Class

2. Sociology of Leisure

3. Anthropology of Leisure

4. Marx

اظهار نظر آرون درباره مارکس خود بازگو کننده نظر او در مورد ماهیت اوقات فراغت و چگونگی دستیابی به آن است. وی می گوید: می توان گفت که انسانی شدن کامل مستلزم آن است که نخست شرایط کار انسان جنبه انسانی پیدا کند و در عین حال مدت کار به حد کافی کاهش یابد تا آنقدر فراغت در اختیار افراد باشد که مثلاً به خواندن آثار افلاطون بپردازد (آرون، ۱۳۵۶: ۱۸۹).

تورشتاین وبلن معتقد است که تحولات فرهنگ آمریکایی، آنچه را ما آن را اخلاق، تفریح و لذت می نامیم، پدیدآورده است. وبلن فراغت را در ارتباط با طبقات و کارتعریف کرده است. وی کسی بود که روی کاهش ارزش کار تکیه می کرد و این چیزی بود که بعد از او دنبال شد (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱: ۵۶).

آگوست کت^۱ جامعه شناس فرانسوی لحظات فراغت را لحظات امکان توسعه و پیشرفت انسان می داند (بهرام، ۱۳۷۶: ۲۴). ژوفر دومایزدیر^۲ جامعه شناس فرانسوی در کتاب "به سوی تمدن فراغت" می نویسد "فراغت مجموعه فعالیتهایی است که شخص پس از رهایی از تعهدات و تکالیف شغلی، خانوادگی و اجتماعی با میل و اشتیاق به آنها می پردازد؛ به منظور استراحت، تفریح، توسعه دانش خود و به کمال رساندن شخصیت خویش و نیز شکوفایی استعدادها، خلاقیتها و بالاخره مشارکت آزادانه اجتماعی است".

از مطالب مذکور، چنین بر می آیدکه فراغت کامل دارای ویژگیهای زیر است:

۱. رها بودن از وظایف اجتماعی و جدایی از اجبارها. ۲. هدف و حیثیت مادی نداشتن و جدایی از تأمین معیشت.

۳. نشاط آور و شادمانی آور بودن و احساس لذت بردن. ۴. پاسخگوی نیازهای فردی بودن.

۵. انجام آزادانه و داوطلبانه (اردلان، ۱۳۵۴).

همچنین از نظر دو مایزدیر فراغت سه کارکرد دارد که عبارتند از:

۱. رفع خستگی ۲. تفریح و سرگرمی ۳. رشد و شکوفایی فرد

گراندال^۳ برای اوقات فراغت هفت کار کرد را استنتاج می کند:

1 . Auguste Comte
2 . Juffer Dumazedier
3 . Grandall

۱. ارتباط و خلاقیت ۲. آسایش و تمدن گریزی ۳. خود شکوفایی و پیشرفت ۴. لذت گرایی ۵. اکتساب چیزهای جدید ۶. انجام بعضی کارهای جدید ۷. انجام بعضی امور به همراه خانواده (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱: ۹۳).

ماکس کاپلان^۱ در کتاب "فراغت در امریکا" در مفهوم فراغت بر حسب زمینه های ذهن گرایانه خود تجدیدنظر می کند و در فراغت ابعاد متعددی می بیند. برای او فراغت (آنتی تز) کار است. خاطره ای است دلپذیر، نوعی رهایی از وظایف اجتماعی است، نوعی ادراک روانی و آزادی است، نوعی فعالیت فرهنگی است و بالاخره سرشتی از نوع بازی دارد.

"کاپلان" فراغت را از نظر محتوای آن، یعنی نوع فعالیتهای آن تحلیل نکرده بلکه از نظر رابطه ای که انسان با این فعالیتهای برقرار می کند، مطالعه کرده است. این تحلیل به طور کلی فراغت را از مفهوم فعالیت مجزا کرده و جهتی تازه به جامعه شناسی فراغت داده است که در آن بیش از پیش بر ارضای ذهنی توجه شده است. کاپلان فکرمی کرد که فراغت باید از دو زاویه مورد بررسی قرارگیرد: فردی و اجتماعی، یعنی یکی رضایت درونی و دیگری، ارزشی که جامعه بر آن قائل است (اسدی، ۱۳۵۲: ۵). ماکس کاپلان متذکر شده است که مشکل ما یافتن طبقه بندیها نیست بلکه جدا سازی موضوعاتی است که به نظر می رسد بیشتر مرتبط با درک رفتارها باشند. او سه موضوع زیر را به عنوان نمونه به کار می برد و از آنها شش زیر مجموعه همسان از تجربه های اوقات فراغت می سازد:

۱. آیا مردم با یکدیگر از طریق "ارزشها" مرتبط هستند؟ نظیر اجتماعی بودن و معاشرت کردن.

۲. آیا آنها فعالیتهایی را ترجیح می دهند که با قوانین و سنتها تثبیت می شوند نظیر بازی و هنر و ...

۳. آیا آنها در پی ورود به جهان برای تجارب مستقیم و جدید هستند؟ یعنی حرکت داشتن و عدم تحرک (پارکر، ۱۹۷۶: ۳۹).

کاپلان با توصیف اوقات فراغت به منزله فعالیتی متمایز از کار به عنوان هدف به آن نگاه می کند، در حالی که خود کار وسیله ای برای رسیدن به یک هدف است. از نظر او فراغت شامل شماری از فعالیتهایی است که ممکن است فرد به اختیار خود از آنها برای استراحت، سرگرم ساختن خود، افزودن به دانش خود یا توسعه مهارتهایش سود گیرد.

1. Max Kaplan

2. Parker, S.

"کاپلان" از گونه های اوقات فراغت، ۶ گونه را در نظر گرفته و آنها را با نقطه نظرات "ماو" و "سزالای"^۲ مطابقت داده است که در جدول شماره ۱ بدان اشاره می شود (پارکر، ۱۹۷۶: ۴۰).

جدول شماره ۱. سه طبقه بندی از گونه های فراغت

سزالای	ماو	کاپلان
گفتگوها	صحبت کردن، حضور در میهمانی ها	معاشرت
شرکت در سازمانها	-	شرکت در انجمن
ورزشها	ورزش و بازی فعال	بازی
سینما و تئاتر و ...	تئاتر	هنر
قدم زدن	تفریحات (خوردن، نوشیدن، کارهای شخصی و...)	فعالیت های پر تحرک
استراحت	بازی های منفعل (غیر فعال)	فعالیت های بی تحرک (انفعالی مثل استراحت)
تماشای تلویزیون ، گوش دادن به رادیو و مطالعه	تماشای تلویزیون ، گوش دادن به رادیو و مطالعه و بازی غیر فعال و...	-
سرگرمی (کار ذوقی و تفریحی)	سرگرمی (کار ذوقی و تفریحی)	-

بسیاری از نظریه پردازان به فراغت به منزله فعالیت هایی می نگرند که آزادانه انتخاب شده اند. با این حال آزادی انتخاب به ندرت قابل حصول است. ازاین رو دومایزدیر اصطلاح «نیمه فراغت» را برای فعالیت هایی وضع کرده است که شخص مجبور به انجام آنهاست اما درهنگام انجام رضایت خاطر او را فراهم می کنند.

پییر معتقد است اوقات فراغت مشتمل بر یک حالت روحی روانی است. نتیجه ساده عوامل خارجی نیست، همین طور نتیجه اجتناب ناپذیر وقت آزاد و تعطیل هم نیست. بلکه در درجه اول یک نوع طرز فکر و یک حالت روحی است. فراغت یا فارغ البال بودن در این معنا «حالت آرام یک وقار فکورانه» است.

بوردیو^۳ (۱۹۸۴) در مقدمه آغازین کتاب "تشخیص"^۴ بیان می کند که این کتاب اساساً به بسط مفهوم پایگاه یا منزلت می پردازد. بوردیو استدلال می کند که تمایزهای اجتماعی را در مجموعه متنوعی از اعمال که معمولاً به فراغت مربوط می شوند می توان مشاهده کرد؛ مثل تعطیلات،

1 . Maw

2 . Szalai

3 . Bourdieu, P.

4 . Distinction

ورزشها، مطالعه، موسیقی و امور ذوقی. سبک زندگی و سلیقه را از این طریق می‌توان دریافت. به عقیده بوردیو این زمینه‌ها را می‌توان به لحاظ میزان سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی و نقش اجتماعی، فرهنگی کسانی که در آنها جای دارند مورد بررسی قرار داد و به این ترتیب نقش اجتماعی و فرهنگی و موقعیت اجتماعی و خط سیر اجتماعی آنها را در جامعه ترسیم کرد.

بنابراین در جامعه و فرهنگ مصرفی، خود فراغت و نحوه گذران آن نوعی تمایز منزلت و هویت ایجاد می‌کند. توجه به نقش فراغت و اهمیت آن در زندگی روزمره انسان معاصر نشانگر اهمیت یافتن و استقلال یافتن آن از کار است. بنابراین در مطالعات فرهنگی خود مفهوم فراغت، مشاهده و مطالعه می‌شود نه به عنوان تداوم و استمرار کار. چون معنای آن از استراحت، بازآفرینی و تقویت استعدادهای انسانی در سایر عرصه‌ها به جست‌وجوی لذت، تفریح، رضایت و خوشی و رهایی دگرگون شده است. در نتیجه بازارها و تبلیغاتی برای آن ایجاد می‌شود، که تجاری شدن فراغت تحقق می‌یابد. اوقات فراغت نیز تبدیل به چیزی می‌شود که می‌توان آن را خرید و مصرف کرد. مصرف کالا و مصرف زمان به فراغت پیوند می‌خورد و فراغت نیز شیء‌واره می‌گردد و رابطه خود را با رهایی، آزادی و فارغ‌البال بودن و با آن برداشتی که فراغت را حالتی از بودن که فارغ از دغدغه‌های گوناگون باشد، از دست می‌دهد.

لذت‌جویی فرهنگ مصرف‌گرای مدرن، با ایجاد شهر بازیها و مراکز تفریحی و ورزشی و توریستی و فروشگاههای بزرگ، فراغت را تجاری ساخته و به مصرف و خرید هرچه بیشتر پیوند داده است و لذت و معنا را در خرید بیشتر و پیروی از وسوسه‌های بی‌پایان بازار و مدهای جدید زندگی مستقر ساخته است. روزک در بحث از فراغت استدلال می‌کند که تقویت رابطه بورژوازی با فراغت، شکلی از فراغت ایجاد می‌کند که بیشتر به کنترل عواطف و بدن علاقه مند است تا التذاذ از تفریحات. او در وهله اول، گرایش به کنترل و انقیاد را مطرح می‌کند تا خواهش نفسانی و کامجویی. اما روزک استدلال خود را بر اساس مفهوم مدرنیته و رابطه آن با هویت بورژوازی آورده که نشانگر افزایش اهمیت فراغت در جامعه معاصر است. بنابراین، این پارادوکس در فراغت مدرن وجود دارد که سرمایه‌داری به جای رواج التذاذ آزادانه از تفریحات، شکلی از فراغت را ایجاد و تبلیغ می‌کند که بیشتر به کنترل عواطف و بدن علاقه‌مند است. ریختن انسانها در قالبهایی که صنعت فرهنگ ایجاد کرده است. همچنین در فراغت مدرن، بیشتر نوعی کنترل و انقیاد دیده می‌شود تا برآوردن خواهشهای نفسانی و کامجویی.

درواقع انسانها به نحوی پنهان به سبکها و فراغتها و مصرفهایی هدایت می‌شوند که فرهنگ سرمایه‌داری آن را ایجاد و تبلیغ می‌کند. در این میان البته هستند انسانهای فرهیخته و معترضی که از این الگوها تبعیت نمی‌کنند و در زندگی نه براساس معیارهای رایج و تبلیغ شده بلکه براساس معیارهای انتقادی خودشان فکر و عمل می‌کنند. چه در حیطه کار و چه در حیطه‌های دیگر زندگی از جمله فراغت و مصرف. اما به نظر می‌رسد بخش وسیعی از مردم ناآگاهانه از این سبکها و الگوها تبعیت می‌کنند. این همان چیزی است که به آن فراغت توده وار گفته می‌شود.

امروزه اوقات فراغت گستردگی زیادی یافته است، از طرفی به عنوان امری سودبخش به جامعه مصرفی پیوند خورده و از سوی دیگر سبب ارتقای کیفیت زندگی توده‌ها شده است. بوچر فعالیتهای اوقات فراغت را اینگونه شرح داده است:

۱. فعالیتی که به طور خصوصی با میل شخصی انجام می‌شود. ۲. روابط انسانی در آن آزاد است.

۳. علاقه فرد در آن مطرح است و مهارت او را افزایش می‌دهد. ۴. بهداشت و آمادگی بدنی به همراه دارد.

۵. موجب خلاقیت و اظهار وجود می‌شود. ۶. شرایط مناسب محیطی را برای گذراندن اوقات فراغت فراهم می‌سازد (زارعی، ۱۳۸۰: ۸).

ارسطومی گوید: بخشی از زندگانی برای کار و بخش دیگر برای آسایش است. اما از این دو، کار وسیله است و بخشی که در آسایش می‌گذرد، هدف. از این رو به همان سان که آماده کردن آدمی برای کار لازم است؛ آماده کردن او برای اینکه زمان آسایش را به خوبی و درستی بگذراند نیز لازم و لزوم آن حتی بیشتر است. زیرا اگر به این جنبه از تربیت چنانکه باید پرداخته نشود، آدمی آن بخش از زندگانی را که اهمیت بیشتری دارد در بیراهه خواهد پیمود و چه بسا که آن را در راه سرگرمیها تلف خواهد کرد و حتی چنین خواهد پنداشت که غایت زندگانی چیزی جز بازی و سرگرمی و کامجویی نیست.

فرانسیس دوکه می‌گوید: به من بگوئید اوقات فراغت خود را چگونه می‌گذرانید تا بگویم چه کسی هستید و فرزندان خود را چگونه تربیت می‌کنید (صباح لنگرودی، ۱۳۷۷: ۱۸).

نظریه رشد

بر پایه این نظریه، اوقات فراغت نوعی فعالیت تلقی شده و مشتمل بر نتایج دراز مدت خود و برای ارتباطات فردی است. فعالیتهای فراغتی سبب افزایش قابلیت‌های پیشین و نیز پیشرفت ما می شود (کلی ۱۹۹۶، به نقل از سازمان ملی جوانان ۱۳۸۱: ۴۳).

در این نظریه، اوقات فراغت با کسب مهارت همراه می شود و فرد ممکن است درگیر فعالیتی شود که برای پیشرفت وی در آن فعالیت طراحی شده و یا ممکن است برای افزایش توانایی در انجام کارها به تمرین و تکرار آن فعالیت بپردازد. مثلاً یک اسکی‌باز ممکن است برای حفظ و بهبود وضعیت جسمانی خود در تابستان به دویدن روی آورد.

در فعالیتهای فراغتی احساس رشد را می توان نه تنها به طور جسمی، بلکه به صورت اجتماعی یا شخصی نیز افزایش داد. شواهد حاکی از آن است که در اوقات فراغت یادگیریهای جمعی روی می دهد و حس رقابت یا توانایی یادگیری آن در طول یک فعالیت، زمینه های بنیادی را برای فعالیتهای مشابه یا جدید در سالهای بعد فراهم می آورد. حس رقابت جسمی، روانی، هنری، یا اجتماعی که در این زمینه آموخته می شود، ممکن است در جاهای دیگر نیز کاربرد داشته باشد. بخش عمده زندگی بر پایه نتایج و دستاوردهای آن می چرخد (همان).

طبق این نظریه، اوقات فراغت فعالیتی است که از طریق مهارتهای دلخواه و مطلوب خود را تجربه و تمرین و حتی ارزیابی می کنیم. در برخی از اوقات فراغت، انجام کارهای ابتدایی و ساده امکان پذیر است و گاهی حتی برای آن نیز پاداش می گیریم. برای نمونه، نوجوانی که با همسالان خود به فعالیتهای خاصی نظیر ورزش می پردازد، احتمال بیشتر دارد که به نتایج آن توجه داشته باشد. در اوقات فراغت، یادگیری مهارتهای میان-فردی افزایش می یابد، زیرا در این اوقات قوانین حاکم بر زندگی کمرنگ تر می شود، فرصت خطر کردن فراهم شده و زمینه برای انجام فعالیت و کارکرد متفاوت از آن چیزی که فرد دارد، به وجود می آید.

دیدگاه کارکردگرایان

کارکرد گرایان درباره اوقات فراغت همانند دیگر مباحث خود کوشیده اند تا با مشخص ساختن کارکرد هر یک از موارد مربوط به گذران اوقات فراغت، تأثیرات آن را بر سایر بخشها و امور گوناگون اجتماعی مشخص کنند. پیروان این دیدگاه به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم که دوران اوج کارکردگرایی بود کوشیده اند تا با استفاده از نظریات جامعه شناسان بزرگ اجزا و عناصر مورد نیاز خود را برای تحلیل موارد گذران اوقات فراغت به دست آورند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱).

۵۰). گفتنی است که کارکردگرایان انگیزه دیگری نیز برای این امر داشتند و آن اینکه اساساً تلاش کردند تا از طریق مشخص ساختن اجزای نظام اجتماعی به تصویری کل گرا از جامعه دست یابند، بنابراین پرداختن به هر مؤلفه فرهنگی جزء ضروری کار آنها به شمار می رفت. به عنوان مثال تلویزیون را که از مصادیق بارز گذران اوقات فراغت است از منظر کارکرد گرایی مورد بررسی قرار می دهیم. اولین نکته را باید در تأثیر تلویزیون و اوقات فراغت بر جامعه پذیری^۱ و یاد گیری ارزشها و هنجارهایی دانست که از نظر فرهنگی به حفظ و یگانگی نظام اجتماعی^۲ کمک می کند. از دیدگاه کارکردگرایان تلویزیون به عنوان یک رسانه، ارزشها و هنجارها را به شرکت کنندگان انتقال می دهد و بدین وسیله به یکپارچگی جامعه کمک می کند. از این لحاظ تلویزیون کارکردی مشابه خانواده، آموزش، دین و ... دارد. به این دلیل است که کارکردگرایان می پرسند مثلاً ورزش و موارد دیگر اوقات فراغت چگونه به حفظ و ارتقای ارزشهای اجتماعی، هنجارها، منزلتها و نقشهای یاری می رسانند، چگونه به منزله سازوکاری سازگار کننده در جامعه عمل می کنند؟ البته مبنای این پرسشها همان پرسش اساسی کارکردگرایان است، یعنی اینکه احکام کارکردی کدام اند؟ این جامعه شناسان هر یک از موارد گذران اوقات فراغت و از جمله ورزش را خرده نظام فرهنگی جامعه می دانند که کارکردهای خاصی دارند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱: ۵۱).

اوقات فراغت و خانواده

مدت زمان اوقات فراغت در جمع خانواده در طول دوره های تاریخی تغییر کرده است. امروزه خانواده هنوز منبع اصلی به وجود آورنده نگرشهای اوقات فراغت در اعضای جوان خود است، ولی تأثیرات دیگر با تأثیرات خانواده در شکل گیری رفتار اوقات فراغت رقابت می کنند. با وجود رشد اوقات فراغت تجاری، هنوز بسیاری از اشکال تفریح وجود دارد که اعضای خانواده با همدیگر از آنها لذت می برند، ولی نوجوانان غالباً در این مورد مستثنی هستند. تفاوتهایی نیز میان طبقات اجتماعی مختلف در مورد سهم نقش خانواده در فعالیتهای اوقات فراغت اعضای خود و مدت زمان آن در خانه وجود دارد. در این بحث شیوه هایی را مورد بررسی قرار خواهیم داد که در آنها مردان و زنان دارای نقشهای متعدد در زمینه گذران اوقات فراغت در ساختار فعلی خانواده خود به عنوان فرد هستند (پارکر، ۱۹۷۶: ۷۹).

1. Socialization
2. Social system

خانواده می تواند در راهنمایی و هدایت جوانان و نوجوانان در فعالیتهای فراغتی نقشی اساسی را ایفا کند. از جمله خانواده بهترین عرضه کننده خدمات فراغتی است، به طوری که با توجه به وضع اقتصادی و فرهنگی جامعه، خانواده می تواند خدمات و امکانات لازم را برای قسمتی از فعالیتهای اوقات فراغت فرزندان خود فراهم نماید. از ویژگیهای خدمات خانواده این است که فرد و خانواده به علت شناخت مبرم ترین نیازهای فراغتی خود خدمات و امکانات را فراهم می آورند که کاربرد عملی داشته باشند و بیشتر افراد خانواده بتوانند از آن استفاده کنند. بنابراین خانواده و والدین نقش تعیین کننده ای در شیوه گذران اوقات فراغت دارند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱: ۷۱).

والدینی که به اوقات فراغت فرزندان خود بها می دهند و به تفریحات سالم می پردازند و برای اوقات فراغت فرزندان چاره اندیشی می کنند، در واقع به طور غیرمستقیم به فرزندان خود آموزش می دهند که همه زندگی کار نیست و لازم است که در برخی اوقات به تفریحات سالم بپردازیم. در پژوهشی از فریدون تند نویس نزدیک به ۴۲٪ از دانشجویان اعلام می دارند که والدین آنها در مورد اوقات فراغت آنان در گذشته کم توجهی کرده اند و یا اصلاً توجهی نداشته اند. نهاد خانواده با توجه به ویژگیهایی که دارد می تواند نقش بسیار مهمی در امر گذران اوقات فراغت ایفا کند. هر فرد ساعات متعددی از شبانه روز خود را در خانه به سر می برد که از این اوقات برای استراحت، غذاخوردن، رفع خستگی، گفتگو با دیگر اعضای خانواده، مطالعه، بازی و مانند آن استفاده می کند. بدیهی است که خانواده به منزله یکی از واحدهای اجتماعی با دیگر واحدها و نهادها در تماس و از آنها متأثر است، همان گونه که بر آنها تأثیر می گذارد. خانواده در نحوه گذران اوقات فراغت خود استقلال تام ندارد.

تحقیقی که فورلانگ^۱، کمبل^۲ و رابرت^۳ در سال ۱۹۹۰ میلادی انجام داده اند، نشان می دهد که وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده ها به طور مستقیم و غیرمستقیم در مشارکت و علاقه مندی جوانان به شکلهای گوناگون گذران اوقات فراغت تأثیر می گذارد (فرج اللهی، ۱۳۷۳).

مالان تی یری^۴ معتقد است که میزان درآمد خانواده می تواند عاملی موثر در آموزش و پرورش کودکان به حساب آید زیرا خانواده هایی که از توان اقتصادی بالاتر برخوردارند می توانند وسایل و امکانات و شرایط بهتری را برای استفاده از آموزش و پرورش صحیح که لازم است، در اختیار کودک

-
1. Furlong
 2. Campbell
 3. Robert
 4. Teery

قراردهند. البته باید گفت تنها عامل اقتصادی شرط موفقیت افراد نیست، یعنی توان اقتصادی خانواده لازم است اما کافی نیست (تی پری، ۱۳۷۳: ۱۰۶).

جمع بندی تفکرات

دریک جمع بندی از مجموعه عناوین و نظریات بیان شده پیرامون اوقات فراغت نکات مشترک زیر را می توان به دست آورد که به طور خلاصه ارائه می شود:

۱. اوقات فراغت مخصوص قسمتی از اوقات آزاد فرد است نه زمان کار.
۲. با پیشرفت صنعت و فناوری اوقات فراغت افراد افزایش یافته و از اهمیت بیشتری برخوردار است.

۳. نحوه گذران اوقات فراغت برای افراد امری آزاد و انتخابی است.
۴. در نتیجه گذران اوقات فراغت می توان به نوعی از رضایت خاطر، آرامش و رفع خستگی دست یافت (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱، ۱۳).

فرضیه های تحقیق

۱. به نظر می رسد که بین جنسیت و نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان تفاوت معناداری وجود دارد.
۲. به نظر می رسد بین تحصیلات والدین و نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.
۳. به نظر می رسد بین تحصیلات والدین و میزان اوقات فراغت دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق

در این پژوهش روش تحقیق به صورت توصیفی-پیمایشی است و با در نظر گرفتن معیار کاربرد از نوع پژوهش کاربردی است. (ساروخانی، ۱۳۸۴: ۷۳). ابزار به کار رفته در پژوهش پرسشنامه است که از مجموعه سؤالات استاندارد شده ای تشکیل شده است که بوسیله آنها پژوهشگر اطلاعات مورد نیاز را از پاسخگو کسب کرده است.

جامعه آماری

جامعه آماری در این پژوهش دانش آموزان مشغول به تحصیل در دوره متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ بوده که با استفاده از آمار به دست آمده از طریق واحد کارشناسی تحقیقات سازمان آموزش و پرورش شهر تهران تعداد آنها ۲۱۶۱۱۷ نفر است.

روش نمونه گیری و حجم نمونه

در روش نمونه گیری ابتدا شهر تهران به سه قسمت شمال، مرکز و جنوب تقسیم شد. سپس با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده از هر یک از مناطق نامبرده منطقه ای به طور تصادفی انتخاب شد. از میان مناطق شمالی منطقه ۲، از میان مناطق مرکزی منطقه ۶ و از میان مناطق جنوبی منطقه ۱۸ به طور تصادفی انتخاب شدند. سپس با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای تصادفی از هر منطقه ۲ دبیرستان پسرانه و ۲ دبیرستان دخترانه انتخاب شد، سپس ۳۵۱ نفر از دانش آموزان به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند که از مدارس دخترانه ۱۷۰ نفر و از مدارس پسرانه ۱۸۱ نفر انتخاب شدند.

اعتبار^۱ و پایایی^۲ تحقیق

اعتبار پرسشنامه این پژوهش را کارشناسان و متخصصان تأیید کرده اند. برای پایایی آن از آلفای کرونباخ استفاده شده است که با استفاده از نرم افزار SPSS مقدار آن برای سؤالات پرسشنامه، برای معرفهای مربوط به هر متغیر در تست مقدماتی محاسبه شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای تمام متغیرها بالای ۰/۸۰ بوده است.

روشها و ابزار تجزیه و تحلیل داده ها

تجزیه و تحلیل داده های گردآوری شده به منزله پل ارتباطی برای رسیدن به نتایج پژوهش است که در این پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS در دو سطح توصیفی و استنباطی به تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده پرداخته شده و سعی شده است که نتایج حاصل از پرسشنامه به صورت خلاصه و مفید با جداول مربوطه ارائه شود. در سطح توصیفی از جدولها، فراوانی، درصد فراوانی و میانگین و... برای توصیف داده ها استفاده شده است و در سطح استنباطی برای متغیرهای در سطح سنجش نسبی از آزمون پیرسون و برای متغیرهای مقایسه ای از آزمون F استفاده شده است.

1 . Validity
2 . Reliability

تجزیه و تحلیل توصیفی داده ها

در این قسمت ضمن توصیف داده های آماری جدول فراوانی و درصد فراوانی آنها رسم شده است. در جدول شماره ۲ فراوانی و درصد فراوانی پاسخ گوین برحسب جنسیت مشخص شده است.

جدول شماره ۲. جدول توزیع فراوانی و درصد فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
دختر	۱۷۰	۴۸/۴
پسر	۱۸۱	۵۱/۶
جمع	۳۵۱	۱۰۰

جدول شماره ۲ نشان می دهد از تعداد ۳۵۱ پاسخگو ۱۷۰ نفر (۴۸/۴ درصد) دختر و ۱۸۱ نفر (۵۱/۶ درصد) پسر هستند.

جدول شماره ۳. جدول توزیع فراوانی و درصد فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات پدر

تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
بیسواد	۱۱	۳/۱
زیر دیپلم	۶۳	۱۷/۹
دیپلم	۱۲۸	۳۶/۵
فوق دیپلم	۴۹	۱۴
لیسانس	۶۷	۱۹/۱
فوق لیسانس و بالاتر	۳۳	۹/۴
جمع	۳۵۱	۱۰۰

جدول شماره ۳ نشان می دهد که پدر اکثر دانش آموزان دیپلم (۳۶/۵ درصد) بوده اند. این جدول نشان می دهد که تحصیلات پدر بیشتر دانش آموزان دیپلم و بالاتر بوده است.

جدول شماره ۴. جدول توزیع فراوانی و درصد فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات مادر

تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
بیسواد	۱۴	۴
زیر دیپلم	۷۳	۲۰/۹
دیپلم	۱۴۹	۴۲/۶

۱۰/۹	۳۹	فوق دیپلم
۱۷/۱	۶۰	لیسانس
۴/۶	۱۶	فوق لیسانس و بالاتر
۱۰۰	۳۵۰	جمع

جدول شماره ۴ نشان می دهد که مدرک تحصیلی بیشتر مادران دیپلم (۴۲/۶ درصد) بوده است. در جدول زیر میزان وقت اختصاص داده شده در روز و در طول سال تحصیلی برای اوقات فراغت بیان شده است.

جدول شماره ۵. جدول توزیع فراوانی و درصد فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان وقت فراغت به دقیقه

مدت زمان فراغت	فراوانی	درصد فراوانی
۰ تا ۱۲۰	۴	۱/۱
۱۲۰ تا ۲۴۰	۷۶	۲۱/۷
۲۴۰ تا ۳۶۰	۱۷۵	۴۹/۹
۳۶۰ تا ۴۸۰	۸۹	۲۵/۴
۴۸۰ و بیشتر	۷	۲
جمع	۳۵۱	۱۰۰

جدول شماره ۵ نشان می دهد که بیشتر دانش آموزان ۴ تا ۶ ساعت در روز را به فعالیتهای فراغتی اختصاص می دهند.

طبقه بندی شیوه های گذران اوقات فراغت

شیوه های گذران اوقات فراغت را براساس ترکیبی از طبقه بندی "کاپلان"، "ماو" و "سزالای" به ۶ شاخص دسته بندی کرده ایم که عبارت اند از: ۱. فراغتهای معاشرتی، ۲. فراغتهای شرکت در کلاسها و انجمنها (مشارکتی)، ۳. فعالیتهای فراغتی پرتحرک، ۴. فعالیتهای فراغتی بی تحرک (تفریحی، رسانه ای)، ۵. فعالیتهای فراغتی بی تحرک (آموزشی، علمی)، ۶. فعالیتهای فراغتی هنری. شاخص تحصیلات والدین دانش آموزان: این شاخص براساس ترکیب جبری میزان تحصیلات پدر و مادر ساخته شده است. به منظور افزایش قابلیت مقایسه و همسازی مقیاس متغیرهای مستقل اصلی، این شاخص ترکیبی رتبه بندی شده است که به خانواده ای که بیشترین تحصیلات را داشته بالاترین رتبه و به خانواده ای که کمترین تحصیلات را داشته پائین ترین رتبه اختصاص داده شده است. در جدول شماره ۶ حداقل، حداکثر، میانگین، میانه و نمای رتبه شاخص تحصیلات والدین گزارش شده است.

جدول شماره ۶. شاخص رتبه بندی شده تحصیلات والدین دانش آموزان

مقدار	صفت آماری
۵۷/۱۴	میانگین
۵۰	میانه
۵۰	مد
۱۶/۶۷	کمترین مقدار
۱۰۰	بیشترین مقدار
۳۵۰	مجموع
۱	بی جواب

جدول شماره ۷. جدول ضرایب همبستگی پیرسون بین شاخصهای متغیر وابسته

هنری	پر تحرک	بی تحرک (سرگرمی رسانه ای)	بی تحرک (آموزشی-علمی)	مشارکتی	معاشرتی	
$r=0/053$ $Sig=0/198$	$r=0/203$ $Sig=0/000$	$r=0/224$ $Sig=0/000$	$r=0/077$ $Sig=0/112$	$r=0/054$ $Sig=0/193$	$r=1$	معاشرتی
$r=0/324$ $Sig=0/000$	$r=0/152$ $Sig=0/000$	$r=0/018$ $Sig=0/384$	$r=0/259$ $Sig=0/000$	$r=1$	$r=0/054$ $Sig=0/193$	مشارکتی
$r=0/154$ $Sig=0/007$	$r=0/290$ $Sig=0/000$	$r=0/275$ $Sig=0/000$	$r=1$	$r=0/259$ $Sig=0/000$	$r=0/077$ $Sig=0/112$	بی تحرک (آموزشی- علمی)
$r=0/138$ $Sig=0/013$	$r=0/314$ $Sig=0/000$	$r=1$	$r=0/275$ $Sig=0/000$	$r=0/018$ $Sig=0/384$	$r=0/224$ $Sig=0/000$	بی تحرک (سرگرمی رسانه ای)
$r=0/262$ $Sig=0/000$	$r=1$	$r=0/314$ $Sig=0/000$	$r=0/290$ $Sig=0/000$	$r=0/152$ $Sig=0/008$	$r=0/203$ $Sig=0/000$	پر تحرک
$r=1$	$r=0/262$ $Sig=0/000$	$r=0/138$ $Sig=0/013$	$r=0/154$ $Sig=0/007$	$r=0/326$ $Sig=0/000$	$r=0/053$ $Sig=0/198$	هنری

فرضیه ۱: به نظرمی رسد میان تحصیلات والدین و نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان

رابطه معنادار وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون پیرسون نشان می دهد در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معناداری رابطه میان تحصیلات والدین و فراغت معاشرتی دانش آموزان برابر است با $Sig=0/025$ و چون از ۰/۰۵ کوچک تر است یعنی با اطلاعات موجود فرضیه H_0 ابطال و H_1 تأیید می شود. به عبارت دیگر میان تحصیلات والدین و فراغت معاشرتی دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد و این رابطه مستقیم است، یعنی دانش آموزانی که تحصیلات والدیشان بیشتر بوده است، دارای فراغتهای

معاشرتی بیشتری بوده‌اند. همچنین سطح معناداری رابطه میان تحصیلات والدین و فراغت فعالیت‌های بی تحرک (آموزشی، علمی) دانش آموزان برابر است با $\text{Sig}=0/004$ یعنی با اطلاعات موجود فرضیه H_0 ابطال و H_1 تأیید می شود. به عبارت دیگر میان تحصیلات والدین و فراغت فعالیت‌های بی تحرک (آموزشی، علمی) دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد و این رابطه مستقیم است. یعنی دانش آموزانی که تحصیلات والدینشان بیشتر بوده است فراغت فعالیت‌های بی تحرک (آموزشی، علمی) بیشتری داشته‌اند.

سطح معناداری رابطه میان تحصیلات والدین و فراغت فعالیت‌های بی تحرک (سرگرمی، رسانه-ای) دانش آموزان برابر است با $\text{Sig}=0/000$ یعنی با اطلاعات موجود فرضیه H_0 ابطال و H_1 تأیید می شود. به عبارت دیگر، میان تحصیلات والدین و فراغت فعالیت‌های بی تحرک (سرگرمی و رسانه‌ای) رابطه معنادار وجود دارد. اما چون $r=-0/201$ است، بنابراین رابطه منفی است، یعنی دانش آموزانی که تحصیلات والدینشان بیشتر بوده است کمتر به فراغت‌های رسانه‌ای و سرگرمی روی آورده‌اند.

سطح معناداری رابطه میان تحصیلات والدین و فعالیت‌های پرتحرک دانش آموزان برابر است با $\text{Sig}=0/089$ یعنی میان تحصیلات و فعالیت‌های پرتحرک در سطح اطمینان $0/095$ رابطه معناداری وجود ندارد.

سطح معناداری رابطه میان تحصیلات والدین و فعالیت‌های هنری برابر است با $\text{Sig}=0/282$ یعنی بین تحصیلات والدین و فعالیت‌های هنری دانش آموزان رابطه معنادار وجود ندارد.

همچنین سطح معناداری رابطه میان تحصیلات والدین و فعالیت شرکت در کلاسها و انجمنها برابر است با $\text{Sig}=0/024$ یعنی میان تحصیلات والدین و فعالیت شرکت در کلاسها و انجمنها رابطه معنادار وجود دارد و با افزایش تحصیلات فراغت‌های مشارکتی افزایش می یابند.

فرضیه ۲: به نظر می رسد بین جنسیت و نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان تفاوت معنادار وجود دارد.

این فرضیه با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه مورد سنجش و آزمون قرارگرفت که با توجه به سطح معناداری در فاصله اطمینان 95% سطح معناداری میان جنسیت و شاخص فعالیت بی تحرک (علمی، آموزشی) برابر است با $\text{Sig}=0/001$ یعنی میان جنسیت دانش آموزان (دختر و پسر) و فعالیت‌های بی تحرک (علمی، آموزشی) تفاوت معنادار وجود دارد.

سطح معنا داری میان جنسیت دانش آموزان (دختر و پسر) و فراغتهای معاشرتی برابر است با $Sig=0/866$ یعنی میان جنسیت و فراغت معاشرتی تفاوت معنادار وجود ندارد.

سطح معناداری میان جنسیت دانش آموزان (دختر و پسر) و فعالیتهای هنری برابر است با $Sig=0/013$ یعنی میان جنسیت و فراغتهای هنری تفاوت معنادار وجود دارد.

سطح معناداری میان جنسیت دانش آموزان (دختر و پسر) و فعالیتهای بی تحرک (سرگرمی، رسانه ای) برابر است با $Sig=0/041$ یعنی میان جنسیت و فعالیتهای بی تحرک (سرگرمی، رسانه ای) تفاوت معنا دار وجود دارد.

سطح معناداری میان جنسیت دانش آموزان (دختر و پسر) و فعالیتهای پر تحرک برابر است با $sig=0/000$ یعنی میان جنسیت و فعالیتهای پر تحرک تفاوت معنا دار وجود دارد.

سطح معناداری میان جنسیت دانش آموزان (دختر و پسر) و فراغتهای مشارکت در کلاسها و انجمنها برابر است با $Sig=0/066$ یعنی میان جنسیت و فراغتهای مشارکت در کلاسها و انجمنها (مشارکتی) در فاصله اطمینان ۹۵٪ تفاوت معنا دار وجود ندارد.

جدول شماره ۸. جدول مقایسه بین جنسیت در شاخصهای شیوه های گذران اوقات فراغت

سطح معناداری	F	میانگین		متغیرهای وابسته
		دختر	پسر	
۰/۸۸۶	۶/۲۵	۵۳۳/۰۸	۵۳۰/۵۳	معاشرتی
۰/۰۶۶	۱/۸۸	۶۵/۵۸	۵۸/۷۹	مشارکتی
۰/۰۰۱	۱۲/۱۸	۱۳۲/۵۸	۱۷۱/۳۳	بی تحرک (علمی-آموزشی)
۰/۰۴۱	۴/۱۹	۹۷/۴۴	۸۹/۶۹	بی تحرک (سرگرمی-رسانه ای)
۰۰۰	۲۱/۶۲	۹۲/۶۲	۱۲۸/۴۲	پر تحرک
۰/۸۶۶	۰/۰۲۹	۳۹/۸۱	۲۱/۸۶	هنری

فرضیه ۳: به نظرمی رسد بین تحصیلات والدین و میزان وقت فراغت دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد.

این فرضیه نیز مورد آزمون قرار گرفت و در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معناداری آن برابر است با $Sig=0/000$ یعنی با اطلاعات موجود فرضیه H_0 باطل و H_1 تأیید می شود. یعنی میان تحصیلات والدین و میزان وقت فراغت دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد. این رابطه باتوجه به ضریب همبستگی پیرسون مثبت و مستقیم بوده است، یعنی دانش آموزانی که والدینشان دارای تحصیلات بالاتر بوده اند وقت بیشتری را به گذران اوقات فراغت اختصاص داده اند.

جمع بندی و نتیجه گیری

اوقات فراغت برای زندگی اجتماعی کاملاً ضروری است و درواقع مطلوب ترین بخش از زندگی است. آن بخش از زندگی که هرکس فارغ از رنج و کار و فعالیت‌های روزمره می تواند زمان در اختیار خود را آن طور که می خواهد سپری کند. اوقات فراغت اگر به درستی مورد استفاده قرارگیرد می تواند از ضایع شدن لحظه های دلپذیر عمر آدمی جلوگیری کند و آن را به سودمند ترین لحظات تبدیل نماید. اوقات فراغت می تواند سبب خودیابی، خودسازی و کسب فضایل اجتماعی، اخلاقی شود و اگر به طرز صحیح از آن استفاده نشود سبب وقت کشی، بیگانگی از خود و تحلیل تدریجی توان، استعدادها و صرف انرژی آنها در راههای نادرست می شود که مسائل و مشکلاتی را برای اشخاص و جامعه به بار می آورد.

اوقات فراغت می تواند متأثر از عوامل اجتماعی و فرهنگی زیادی باشد. دراین پژوهش ما تأثیر متغیرهای مستقلی همچون جنسیت و تحصیلات را بر میزان و نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان مورد بررسی قرار دادیم. برای بررسی نحوه گذران اوقات فراغت از چارچوب نظری ترکیبی از نظریات "کاپلان" "ماو"، "سزالای" استفاده شده است. در بخش بعد چکیده ای از یافته های تحقیق به صورت خلاصه آورده شده است.

یافته های تحقیق

این طرح پژوهشی با عنوان "بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان دوره متوسطه شهر تهران با تأکید بر نقش خانواده" به انجام رسید. در این تحقیق با اتخاذ روشهای علمی متداول درعلوم اجتماعی، نمونه ای با حجم ۳۵۱ نفر از میان دانش آموزان انتخاب شد و در طراحی پرسشنامه از اعتبار صوری استفاده شد. نتایج و یافته های حاصل از این تحقیق را در دو بخش توصیفی و استنباطی مرور خواهیم کرد:

یافته های حاصل از اطلاعات گردآوری شده در بخش توصیفی حاکی از آن است که والدین اکثر دانش آموزان دارای تحصیلات دیپلم و بالاتر بوده اند. بیشتر دانش آموزان اوقات فراغت خود را به ترتیب به تماشای تلویزیون، استراحت و خواب، گوش دادن به موسیقی، استفاده از موبایل، درکنار خانواده بودن، معاشرت با دوستان، ورزش و بازی کردن اختصاص داده اند. میزان لذت بردن از اوقات فراغت دانش آموزان به ترتیب، لذت بردن از معاشرت با دوستان (میانگین ۴/۴۳ از طیف لیکرت)، لذت بردن از موسیقی (میانگین ۳/۳۶)، لذت بردن از با خانواده بودن (میانگین ۳/۳۳)، لذت بردن از شرکت در جشنها و میهمانیها (میانگین ۳/۲۳) و لذت بردن از کار با کامپیوتر

(میانگین ۳) بوده است (میانگین طیف لیکرت عدد ۲ است). بیشتر دانش آموزان از نحوه گذران اوقات فراغت خود راضی بوده اند (میانگین ۲/۳۹ از طیف لیکرت). بیشتر دانش آموزان نحوه گذران اوقات فراغت خود را ثمربخش قلمداد کرده اند. به طوری که اکثراً ابراز داشته اند که اوقات فراغت سبب تقویت روحیه و نشاط آنان شده است (میانگین ۲/۸۰ از طیف لیکرت)، و همچنین اکثر دانش آموزان اوقات فراغت را سبب توسعه و افزایش دانش و آگاهی خود دانسته اند (میانگین ۲/۴۶ از طیف لیکرت). بیشتر دانش آموزان تهیه امکانات فراغتی را از سوی مسئولان دولتی کمتر از حد متوسط دانسته اند (میانگین ۰/۹۸ از طیف لیکرت) و حمایت مسئولان دولتی از اوقات فراغت را نیز کمتر از حد متوسط بیان نموده اند (میانگین ۱/۰۵ از طیف لیکرت). از نظر میزان وقت فراغت بیشتر دانش آموزان ۴ تا ۶ ساعت در روز وقت فراغت داشته اند.

در بخش یافته های استنباطی نتایج حاصل از فرضیه ها را مورد بررسی قرار داده ایم:

در این پژوهش جنسیت و تحصیلات والدین دانش آموزان متغیرهای مستقل بوده و متغیر وابسته میزان و نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان بوده که منظور از میزان وقت فراغت مقدار ساعتی است که دانش آموزان در روز به اوقات فراغت اختصاص داده اند. نحوه گذران اوقات فراغت را به ۶ شاخص ۱. فعالیتهای معاشرتی ۲. فعالیتهای شرکت در کلاسها و انجمنها (مشارکتی) ۳. فعالیتهای پرتحرک (حرکتی) ۴. فعالیتهای بی تحرک (سرگرمی، رسانه ای) ۵. فعالیتهای بی تحرک (آموزشی، علمی) ۶. فعالیتهای هنری تقسیم کرده ایم.

یافته های حاصل از رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته به قرار زیرند:

رابطه میان تحصیلات والدین و فراغتهای معاشرتی، فعالیتهای شرکت در کلاسها و انجمنها (مشارکتی) و فعالیتهای بی تحرک (آموزشی، علمی) در فاصله اطمینان ۹۵٪ رابطه معنا دار و مثبت و مستقیم است. در این مورد نیز این گونه می توان قضاوت کرد که با افزایش تحصیلات والدین دانش آموزان، فراغتهای معاشرتی، مشارکتی و آموزشی - علمی افزایش می یابد. دلیل این نتیجه را می توان این گونه تفسیر کرد که با افزایش تحصیلات والدین آگاهی و دانش آنها نسبت به برنامه های اوقات فراغت بیشتر شده است و در نتیجه به فعالیتهایی که سبب اجتماعی شدن، جامعه پذیر شدن و ارتقایافتن و افزایش آگاهی و دانش فرزندانشان می شود بیشتر توجه می کنند. میان تحصیلات والدین و فراغتهای بی تحرک (سرگرمی، رسانه ای) رابطه ای معنا دار اما منفی و ضعیف وجود دارد. شاید این بدان معنا است که دانش آموزانی که تحصیلات والدیشان بالاتر است، والدین آنها کمتر علاقه مندند که فرزندانشان در طول سال تحصیلی به کارهای سرگرم کننده روی بیاورند.

میان تحصیلات والدین و فعالیتهای پر تحرک و هنری در فاصله اطمینان ۹۵٪ رابطه معنادار نبوده است. میان میزان وقت فراغت دانش آموزان و تحصیلات والدین رابطه معنادار و مثبت و مستقیم بوده است. میان جنسیت و فراغت های هنری، فعالیتهای غیرحرکتی (آموزشی، علمی)، فعالیتهای بی تحرک (سرگرمی، رسانه ای) و فعالیتهای پرتحرک در فاصله اطمینان ۹۵٪ تفاوت معنادار نبوده است. یعنی میان پسران و دختران در فراغتهای هنری، فعالیتهای غیرحرکتی (آموزشی، علمی)، فعالیتهای بی تحرک (سرگرمی، رسانه ای) و فعالیتهای پر تحرک تفاوت معنادار وجود دارد. البته اینکه در نحوه گذران اوقات فراغت میان دختران و پسران در برخی فعالیتهای فراغتی تفاوت وجود دارد، شاید به دلیل درگیر شدن جوانان و نوجوانان با ارزشها، سنتها و اعتقادات است. زیرا این عقاید و سنتها از دختران خواسته هایی دارند که شاید از پسران انتظار نداشته باشند. این سنتها سبب شده اند دختران در گذران اوقات فراغت در بعضی از فعالیتهای آزادی عمل کافی نداشته باشند. مثلاً چرا در فعالیتهای پرتحرک میان دختران و پسران تفاوت معنادار نبوده است، یافته های پژوهش نشان می دهد که میانگین فعالیتهای فراغتی پرتحرک پسران بیشتر از دختران بوده است، پس پسرها بیشتر به این گونه فعالیتهای روی آورده اند، زیرا پسران از محدودیت کمتری در انجام این گونه فعالیتهای برخوردارند و خانواده ها معمولاً به دختران کمتر اجازه انجام این گونه فعالیتهای را می دهند، مثلاً بیرون رفتن از خانه یا انجام دادن بازیهای ورزشی مثل فوتبال .

و اینکه چرا در فعالیتهای هنری و فعالیتهای فراغتی بی تحرک (سرگرمی، رسانه ای) میانگین انجام دادن آنها در میان دختران بیشتر از پسران بوده و تفاوت معنادار نبوده است، یکی از دلایل این مطلب نیز برمی گردد به وجود سنتها، ارزشها و عقاید موجود در جامعه؛ زیرا دختران نسبت به پسران بیشتر در محیط خانه هستند. بنابر این بیشتر به این گونه فعالیتهای روی می آورند. مثلاً تماشای تلویزیون و یا انجام دادن کارهای هنری و دستی. میان جنسیت و فعالیتهای فراغتی معاشرتی و فعالیتهای شرکت در کلاسها و انجمنها (فعالیتهای مشارکتی) در فاصله اطمینان ۹۵٪ تفاوت معنادار وجود نداشته است.

محدودیتهای تحقیق

برخی محدودیتها که پژوهشگر در حین تحقیق با آنها مواجه شده و سبب بروز مشکلاتی شده است عبارت اند از :

۱. عدم همکاری بعضی از مدیران و معاونان مدارس در تکمیل پرسشنامه و اهمیت ندادن آنها به کارهای پژوهشی.

۲. عدم همکاری برخی از مسئولان و دست اندرکاران دانشگاهها برای استفاده از کتابخانه.
 ۳. دریافت مبالغ مالی زیاد برای استفاده از کتابها و پایان نامه ها، به ویژه کتابخانه ایران داک. این کتابخانه از دانشجویان برای استفاده از منابع علمی ساعتی پول دریافت می کند.

۴. عدم وجود یک مرجع (کتابخانه) کامل برای دسترسی به تمام منابع مورد نیاز.
 ۵. کمبود امکانات تحقیقی در دانشگاهها از قبیل کارگاه روش تحقیق.
 ۶. مشکلات ترافیکی و رفت و آمد به مناطق مختلف آموزش و پرورش.
 ۷. نامه نگاری و بوروکراسیهای زیاد اداری برای معرفی به مدارس.
 با توجه به اینکه نحوه گذران اوقات فراغت دارای ابعاد فرهنگی، آموزشی و تربیتی است و می تواند در رشد و تعالی شخصیت و خلاقیت افراد به ویژه دانش آموزانی که سازندگان آینده کشورمان هستند، تأثیری به سزا داشته باشد، پیشنهادات زیر ارائه می شود.

۱. با ایجاد مراکز فرهنگی و آموزشی، خانه های فرهنگ، تالارهای نمایش، مراکز جهانگردی، اردوهای تفریحی و سیاحتی، مراکز و فضاهای ورزشی و تفریحی، ایجادسایتهای مجهز کامپیوتری در مدارس و کتابخانه ها، می توان امکاناتی برای گذران اوقات فراغت جوانان و نوجوانان فراهم ساخت و آنها را به سوی گذران صحیح فراغت هدایت کرد. نتایج تحقیق نشان می دهد که اکثر دانش آموزان کمبود فضا و امکانات مناسب را یکی از مشکلات و موانع گذران اوقات فراغت خود قلمداد کرده اند. البته باید این امکانات را همراه با بودجه و تسهیلات مالی کافی در اختیار دانش آموزان قرار دهیم، زیرا بسیاری از خانواده ها هستند که از عهده پرداخت مخارج یک کلاس آموزشی یا یک گردش علمی نیز عاجزند.

۲. آموزش استفاده صحیح از اوقات فراغت یکی از راههای جلوگیری از انحرافات دانش آموزان است، از این رو همکاری و هماهنگی خانه و مدرسه از اهمیت فوق العاده برخوردار است. لذا پیشنهاد می شود که خانواده و مدرسه در هدفها، محتوا و برنامه ها و روشهای آموزشی و تربیتی و استفاده از اوقات فراغت دانش آموزان هماهنگ و همسو حرکت کنند تا زمینه بهره گیری مناسب و صحیح از نحوه فراغت دانش آموزان فراهم شود.

۳. پخش برنامه های متنوع و جذاب تلویزیونی که مطابق با علائق و سلیق دانش آموزان باشد، زیرا نتایج تحقیق حاکی از این است که تماشای برنامه های تلویزیونی یکی از فعالیتهای مهم فراغتی است و وقت زیادی به آن اختصاص داده می شود. لذا نیازمند توجه مسئولان صدا و سیما

است و باید درجهت هر چه پر بار کردن برنامه های تلویزیونی خود گام بردارند و از نظرات کارشناسان و جامعه شناسان در این زمینه استفاده کنند.

۴. حمایت مسئولان به ویژه وزارت آموزش و پرورش از اوقات فراغت دانش آموزان و برنامه-ریزی درازمدت در این زمینه.

۵. ایجاد فعالیتهای فوق برنامه با توجه به نیازها و رغبتهای دانش آموزان می تواند در رشد و شخصیت آنان نقشی مؤثر داشته باشد و سبب شکوفایی و خلاقیت آنان شود. همچنین تشکیل انجمنها و تیمهای ورزشی، علمی، ادبی و شرکت در فعالیتهای و خدمات اجتماعی نیز می تواند در جامعه پذیری واجتماعی شدن آنها مؤثر باشد.

منابع

- آرون، ریمون. (۱۳۵۶). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی* (ترجمه محمد باقر پرهام). تهران: کتابهای جیبی.
- اردلان، فرنگیس. (۱۳۵۴). *جامعه شناسی اوقات فراغت*. دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- اسدی، علی. (۱۳۵۲). اوقات فراغت، تعاریف و دیدگاهها. در *سمینار ملی رفاه اجتماعی*، سازمان برنامه و بودجه، ۲۲-۱۸.
- بهرام، عباس. (۱۳۷۶). بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت دانش آموزان رزمنده با تأکید بر فعالیت های ورزشی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- تند نویس، فریدون. (۱۳۷۵). بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان سراسر کشور با تأکید بر فعالیت های ورزشی. رساله دکتری. دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تهران.
- تی پری، مالان. (۱۳۷۳). *برنامه ریزی آموزشی به عنوان یک فرآیند اجتماعی* (ترجمه سعید بهشتی). تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- جلالی، محمد علی. (۱۳۷۲). *نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان دختر دوره متوسطه شمال تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- حاج عبدالباقی، زهرا. (۱۳۸۶). بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان متوسطه شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال.
- دومایزیر، ژوفر. (۱۳۵۲). زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه شناسانه (ترجمه مهدی آدینه). *مجله فرهنگ و زندگی*، شماره ۱۲، ص ۲۱.
- زارعی، علی. (۱۳۸۰). *نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی سراسر کشور با تأکید بر فعالیت های ورزشی و مقایسه آن با سایر دانشگاه های غیر پزشکی*. رساله دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). *دایرةالمعارف علوم اجتماعی*. تهران: کیهان.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۴). *روشهای تحقیق در علوم اجتماعی*. جلد اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۱). *بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان، پژوهش و تحقیق سازمان ملی جوانان*. تهران: نشر اهل قلم.
- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۴). *سیمای جهانی گذران اوقات فراغت جوانان*، غلامرضا لطیفی، معاونت مطالعات و برنامه ریزی دفتر مطالعات و تحقیقات. تهران: نشر سازمان ملی جوانان.
- سلسله مباحث فرهنگی (۱۳۷۳). معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی اصفهان، تهران.
- صباغ لنگرودی، مهدی. (۱۳۷۷). *چگونگی گذران اوقات فراغت دانشجویان پسر دانشگاه اصفهان با تأکید بر فعالیت های ورزشی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشکده تربیت بدنی.
- عابدینی زاده آستارایی، نرگس. (۱۳۷۲). *بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت دختران و پسران دبیرستانی منطقه ۱۷ آموزش و پرورش تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

فرج اللهی، نصرت الله. (۱۳۷۳). بررسی جایگاه تربیت بدنی درگذران اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد.

قبادی، علیرضا و نیازی، محسن. (۱۳۸۹). رابطه شیوه های تربیتی استبدادی و اقناع گرایانه والدین و میزان فعالیت و مشارکت اجتماعی. فصلنامه خانواده و پژوهش، سال هفتم، شماره ۱، ۱۲۷-۱۴۸.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). جامعه شناسی (ترجمه منوچهر صبوری). تهران: نشر نی.

Astrid, N. S., & Ford, T. (2002). School journeys and leisure activities in rural and urban adolescents in Norway. *Health Promotion Int.*, 17,(1), 21-30.

Barrett, C. (1989). The concept of leisure: Idea and ideal. In T. Winniffrith & C. Barrett (Eds.), *The philosophy of leisure* (pp. 9-19). London: The Macmillian Press.

Bodur, F. (2000). Evaluation of the leisure activities of students in Turkey. *Sport Discass*, 6, 175-180.

Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A social critique judgment of taste*. London: Routledge.

Parker, S. (1976). *The sociology of leisure*. London: George Allen Urwin Ltd.

Veblen, T. (1966). The theory of leisure class. In R. Bendix & S. M. Lipsett (Eds.), *Class status and power* (pp. 36-42). New York: Free Press.

Walton, J. et al. (1999). Physical activity and stages of change in fifth and sixth graders. *Journal of School Health*, 69(7), 285-289.

Williams, A. (1988). Physical activity patterns among adolescents. *Journal of Physical Education Review*, 11(1), 28-39.

